وعشيا رزقنا الله
تعالى ومنهم من ينظر الى ربه بكرة
واياكم هذا المقام بالافضال والاكرام وبحق النبي واصحابه
العظام واله الكرام ولذت رويت بمقدار شوق
خواهد بود هركرا شوق بسيار باشد او لذت بسيار
يابد وذوق ولذت برويت جمال بود ودر حالت شهود
جلال لذت نبود بلكه فنا وبيشعوری بود زيرا
نزد بعضی بزرگان گفته اند المشاهدة ليست بتلذذ
لان الحق لا يلتذ به ولكن المشاهدة فناء وغلبة
تا نفس بصفات خويش قايم بود تا آنكه تلذذ صفت
وی باشد چون از صفت خويش غايب گردد الم حاصل
ايد وليكن ازان الم خبر ندارد وهم لذت حاصل ايد وليكن
ازان لذت خبر ندارد حاضر بود بنفس ومعنی غايب بنفس
بود وبصفات فاما چون معانی ازوی غايب گشت
وجود علم گشت ووجود عدم وبقا فنا گشت ومثال
شاهد این قصه صواحبات يوسف عم است كه
زنان مصر مشاهده يوسف عم دستها خويش بريدند
وبدل تواله گوشتها خويش ميخوردند ولولا قطع والم
هيچ خبر نداشتند زيرا كه غايب الصفات بودند يعنی مشاهده
يوسف عم چنان غلبه كرده كه ايشان مغلوب الحال بودند فانية
الصفات گشتند جايی كه غلبه مشاهده مخلوق
چنين بود تا غلبه مشاهده خالق چگونه بود وخواهد

حسن بصری

حسن بصری رض ميگويد ان اهل الجنة في الجنة اذا
اطلع عليهم الرب جل جلاله فينسون من جلاله وجماله
ثمان مائة الف عام اذا نظروا الى الجمال طابوا واذا
نظروا الى الجلال ذابوا وبدانك ای دوست كه بهشت
سرای بقا ونعيم ان بی زوال است فنا وزوال را بدو راه
نيست اما معنی گداختن انست كه بتابش جلال شعور
گداخته شود پس در مشاهده جلال بی شعوری وطبع گری
باشد حاصل الامر حقيقت را بحجوه نتوان ديد ومراهم بدو
نتوان ديد قاضی عين القضاة قدس الله روحه ونوده
رايت ربي بربي ولولا ربي لما قدرت على رويته ربي وشيخ
ابو الحسن گفت يا رب را احد يبوب ربه العرفون وقدره
ولا يبدلون رويته وبی ازانك كه شيخ ابو سعيد گفت كه عزيزی
را برسيدن كه حق را كجا يابم گفتم كجا جست كه بنا فی
اگر قلم صدق در راه او نهاده هر جه زگاه لكی اورا
يعنی ای دوست لقاء مولى عز وجل عوام را فردا موعود است
وخواص را امروز منقود است يعنی اهل از دخول جنت
عام وخاص ديدار حق بنگرند اما خواص دولت روئيت
در دنيا بيقين زبان وبديده دل ببينند حاصل الامر
بعضی را طريقين دبلغاء حقيقت راهم در دنيا روئيت
حق حاصل می شود بعضی را در خواب وبعضی را در
بيداری از سعادت روئيت ميسان با شخص واحد را بعض